

وقت آن رسیده که به کودکان تریبون بدهید!

در حالی که تولیدات فرهنگی ایران همچنان از دریچه نگاه بزرگسالان ساخته می‌شوند، مفاد کنوانسیون حقوق کودک یادآور می‌شود...



در حالی که تولیدات فرهنگی ایران همچنان از دریچه نگاه بزرگسالان ساخته می‌شوند، مفاد کنوانسیون حقوق کودک یادآور می‌شود که روایتگری فرهنگی تنها امتیازی لوکس یا سرگرم کننده نیست، بلکه یک حق بنیادین برای کودکان است. حتی که نادیده گرفتن آن، پیامدهایی عمیق برای هویت، خلاقیت و مشارکت فرهنگی نسل آینده خواهد داشت. چالشی فرهنگی که یک مدرس دانشگاه به هوشنگ حقیق، به الملا، که دکان در برداشته، به ابعاد آن پرداخته و راهکاری برای رفع آن ارائه داده است. محمدمهدی سیدناصری - حقوقدان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بین الملل کودکان - در این یادداشت که در اختیار ایسنا قرار داده، آورده است: «کودکی، تنها یک دوره گذرا از زندگی انسان نیست؛ بلکه بنیان شکل گیری هویت فردی، اجتماعی و فرهنگی هر انسان را پی ریزی می‌کند. از همین رو، کودکان در عین حال که نیازمند مراقبت و حمایت هستند، حق دارند در شکل دادن به فرهنگ و هنر جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند، مشارکت فعال داشته باشند. بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک ملل متحد (به ویژه ماده ۱۲ و ۱۳) کودکان دارای حق «بیان آزادانه نظرات» و «شرکت در زندگی فرهنگی و هنری» هستند. با این حال، در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، کودکان همچنان در قالب مصرف کنندگان منفعل محصولات فرهنگی شناخته می‌شوند؛ کودکانی که صرفاً باید آنچه برایشان ساخته شده را بپذیرند، بدون آنکه فرصتی برای روایتگری و بیان تجارب و تخیلات خود داشته باشند.

این در حالی است که کودکان، با تخیل زنده و بی مرز، نگاه تازه و بی آلایش خود به جهان، می‌توانند روایت‌هایی اصیل و خلاقانه خلق کنند و حتی الهام بخش بزرگسالان باشند. به رسمیت شناختن و تقویت «حق بر روایتگری فرهنگی» برای کودکان، اقدامی در راستای توسعه انسانی، حفظ تنوع فرهنگی و تحقق عدالت فرهنگی است. امروز، در جهانی که فرهنگ‌ها به سرعت تحت تأثیر جهانی سازی، فناوری و روایت‌های تجاری قرار می‌گیرند، شنیدن صدای کودکان و دادن تریبون به آن‌ها، یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای بقا و پویایی فرهنگی هر جامعه است.

۱_ روایتگری فرهنگی به مثابه یک حق؛
روایتگری، صرفاً یک فعالیت هنری یا ادبی نیست؛ بلکه یک حق بنیادین برای رشد خلاقیت، تقویت هویت و تحقق خودمختاری کودک است. در اسناد بین المللی حقوق بشر، کودکان حق دارند از طریق نقاشی، داستان گوئی، بازی، فیلم و موسیقی، روایت‌های شخصی و جمعی خود را خلق و بیان کنند.

۲_ فرهنگ سازی بزرگسال محور؛ مانع شنیده شدن صدای کودک
در تولیدات فرهنگی ایران، چه در تلویزیون، چه در کتاب‌های کودک، چه در تئاتر و سینما، روایت‌ها عمدتاً از نگاه و زاویه دید بزرگسال نوشته و ساخته می‌شوند. در نتیجه، کودکان تبدیل به شخصیت‌های کلیشه ای یا ابزاری برای پیام رسانی ارزش‌های بزرگسالان می‌شوند، نه خالقان و روایت‌گران اصلی.

۳_ تجربه جهانی: کودکان به عنوان خالق اثر
در برخی کشورها، پروژه‌هایی مانند کارگاه‌های داستان‌هایی از کودکان «storytelling by children»، جشنواره‌های فیلم و انیمیشن کودک، یا حتی انتشارات کتاب‌های «نوشته شده توسط کودکان» راه اندازی شده که در آن‌ها کودک، مولف و راوی اصلی اثر است. نتایج این طرح‌ها نشان می‌دهد کودکان می‌توانند دیدگاه‌های خلاقانه، اصیل و گاه حتی عمیق‌تر از بزرگسالان ارائه کنند.

۴_ پیامدهای فرهنگی و هویتی
وقتی کودکان از فرصت روایتگری محروم می‌شوند:
_ هویت فرهنگی آنان ضعیف می‌شود
_ قدرت تخیل و خلاقیت‌شان محدود می‌شود
_ احساس تعلق فرهنگی و اعتماد به نفس آنها کاهش می‌یابد.
تبدیل کودکان از مصرف کننده منفعل به روایتگر فعال فرهنگ، تنها یک شعار زیبا یا رویکرد تزئینی نیست، بلکه یک مطالبه اساسی حقوقی و یک سرمایه گذاری فرهنگی بلندمدت است. کودکانی که فرصت روایتگری پیدا می‌کنند، به تدریج مهارت‌های خلاقیت، انتقادپذیری، اعتماد به نفس، حل مسئله و مسئولیت پذیری را در خود پرورش می‌دهند. این مهارت‌ها، فراتر از فرد، منجر به تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی کل جامعه خواهد شد. اگرچه ممکن است شنیدن صدای کودکان برای برخی نظام‌های فرهنگی و تولیدکنندگان محتوا چالش برانگیز یا حتی پرهزینه باشد، اما نادیده گرفتن این صدا، هزینه‌های بسیار سنگین‌تری در آینده تحمیل خواهد کرد: از بی هویتی فرهنگی و تقلید سطحی از الگوهای بیرونی گرفته تا کاهش مشارکت اجتماعی و ضعف در انسجام ملی.

در نهایت، کودکانی که امروز روایتگر قصه‌های خود می‌شوند، فردا می‌توانند حافظان و خالقان فرهنگ ملی باشند. راهی جز شنیدن صدای آنان، احترام به نگاه مستقل‌شان و حمایت از بیان خلاقانه‌شان وجود ندارد. وقت آن رسیده است که نهادهای فرهنگی، خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها، به جای کنترل محتوای ذهن کودکان، آن‌ها را به عنوان نویسندگان، هنرمندان و صاحب‌نظران کوچک، اما اثرگذار، بپذیرند. این گام، نه فقط تحقق یک حق، بلکه آفرینش فردایی روشن‌تر و فرهنگی پویاتر برای ایران خواهد بود.

اما راهکارها و پیشنهادها در این موضوع چیست؟
ایجاد کارگاه‌های روایتگری، داستان نویسی، انیمیشن و قصه گوئی با مدیریت و اجرای کودکان
حمایت از جشنواره‌ها و مسابقات فرهنگی - هنری مختص آثار خلق شده توسط کودکان

گنجاندن مهارت روایتگری در برنامه های درسی مدارس، به ویژه در مقاطع پیش دبستانی و ابتدایی حمایت از نشر و چاپ کتاب های نوشته شده یا تصویرگری شده توسط کودکان استفاده از پلتفرم های دیجیتال (مثل پادکست، بلاگ، ویدیو) برای انتشار روایت های کودکان.»